



تاریخچه و کارکردهای پژوهشکده زبان ملل در گفت و گو با دکتر نادر حقانی

محمدرضا عنانی سراب

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

Email: reza_ananisarab@yahoo.uk

اشاره

مراکز آموزشی و پژوهشی داخل کشور نقش بسیار مهمی در پیشبرد اهداف آموزش زبان‌های خارجی ایفا می‌کنند. پژوهشکده زبان ملل که به همت دکتر نادر حقانی عضو هیئت علمی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران و عضو هیئت تحریریه رشد زبان خارجی تأسیس شده در نوع خود منحصر به فرد است و با توجه به پتانسیل بالای پژوهشی خود می‌تواند در حل معضلات آموزشی زبان در کشور نقش مهمی ایفا کند. جهت آشنایی خوانندگان محترم مجله که خود دست‌اندرکار آموزش زبان می‌باشند گفت‌وگویی را به‌منظور تشریح تاریخچه، نقش و جایگاه پژوهشکده با دکتر نادر حقانی که مدیریت پژوهشکده را برعهده دارند ترتیب داده‌ایم که مشروح آن در زیر آمده است. از دکتر حقانی به‌خاطر قبول شرکت در گفت‌وگو سپاسگزاریم.



و طی قرن‌ها هم این‌گونه بوده است. ما اگر به جهان اسلام نگاه کنیم، می‌بینیم که در طول قرن‌ها سه کشور با سه حوزه متفاوت وجود داشته‌اند که به نوعی در دنیای اسلام حرف اول را می‌زده‌اند. دولت عثمانی، کشورهای عربی، و ایران. دولت عثمانی و به تبع آن زبان ترکی از جنبه سیاسی فوق‌العاده رشد می‌کنند؛ چون عثمانی یکی از قدرت‌هایی بوده که طی قرون متمادی در حوزه وسیعی از جهان سیطره داشته است و لذا بخش سیاسی این زبان خیلی قوی می‌شود.

زبان عربی از منظر دینی عامل تمامی محتوای دینی است و لذا از این منظر این زبان فوق‌العاده قوی است. زبان فارسی، زبان ادبی است. البته جنبه‌های مختلفی دارد ولی در حوزه ادبیات از منظر کلی بسیار غنی است. در واقع، در زمینه تولیدات ادبی خیلی کار کرده و حتی به دربارهای خارج از قلمرو خویش، مثلاً هند، نیز راه یافته است. در آن دربارها زبان رسمی زبان فارسی بوده و این به خاطر جنبه ادبی این زبان است. لازم است تحقیق شود که چرا یک زبان، مثلاً به زبان فنی تبدیل می‌شود. اگر در حوزه فنی به زبان‌های مختلف نگاه کنیم، می‌بینیم که زبان فارسی آن قدر برد علمی ندارد که تمامی تحولات علم و دانش به این زبان نوشته و نگاشته شوند. در دوره‌های مختلف می‌بینیم که زبان علم تغییر کرده است؛ زمانی زبان فرانسه بوده و بعد زبان آلمانی مطرح شده و الان هم که در مجموع، این حوزه در سیطره زبان انگلیسی است. در روابط بین‌المللی نیز از این زبان استفاده می‌شود. از سویی، در حوزه علم و فناوری هم این زبان توانسته است توانایی‌های خود را به شدت افزایش دهد.

بر این اساس، نیاز است که این زبان

مورد تحقیق قرار گیرد. این

عوامل باعث شدند که

در دانشگاه‌های کشور

زبان‌های خارجی

تدریس شود. در

مجموع، زبان‌های

خارجی اکنون در

● در ابتدا تقاضا

می‌کنم در مورد تاریخچه تأسیس

پژوهشکده توضیح کوتاهی بفرمایید.

در این فرصت، ابتدا تلاش می‌کنم فلسفه فکری مؤسسان این مرکز پژوهشی را در سال ۸۴-۱۳۸۳ در مورد تأسیس چنین مرکزی به اطلاع شما برسانم و سپس درباره موضوع تغییر مرکز پژوهشی به پژوهشکده زبان ملل در فروردین سال جاری نیز مطالبی را عرض کنم. همه می‌دانیم که زبان نقطه کانونی تعاملات انسان است. تفکرات انسان در زبان شکل می‌گیرد که البته از نظر ابزاری به شدت ساده اما از نظر محتوایی پیچیده‌ترین وسیله ارتباطی است. بر این اساس، از نظر ابزاری، محتوایی و عملکردی لازم است زبان، چه ملی و چه فراملی، مورد تحقیق قرار گیرد. کلید ورود به هر جامعه‌ای زبان آن جامعه است و ما برای اینکه ابعاد مختلف این کلید را بشناسیم، باید جنبه‌های مختلف آن را مورد تحقیق قرار دهیم. همان‌طور که عرض کردم، اولین ارتباط عاطفی انسان با جامعه غیر خودش از طریق زبان برقرار می‌شود. تسلط بر زبان نوعی ابراز علاقه به فرهنگ است؛ زیرا زبان در فرهنگ، ادبیات و تاریخ ملت‌ها مستقر است و بر این اساس، یادگیری آن به شکل‌گیری ارتباط بین انسان‌ها کمک می‌کند. امروزه قدرت کشورها در حوزه‌های مختلف صنعتی، تجاری، علمی، کشاورزی و غیره، در زبان متجلی می‌شود. نمونه‌های عملی این تجلی در حوزه فلسفی زبان آلمانی و در حوزه حقوق، زبان فرانسه است. زمانی که زبان فرانسه وارد ایران می‌شود، در کشور ما محتوای فکری حقوقی از زبان عربی اخذ می‌شده اما در مراودات و تنظیم قراردادها بستر زبانی زبان فرانسه است. زبان خود ما یکی از زیباترین زبان‌های دنیا از منظر ادبی است

سه مقطع ارائه می‌شوند. منظور از زبان خارجی زبان ملل است و در مقابل آن، زبان فارسی وجود دارد.

ما احساس کردیم که زبان فارسی از این زاویه هم باید مورد تحقیق قرار گیرد تا ببینیم این زبان در مقابل سایر زبان‌ها مثلاً زبان فرانسه، عربی و غیره چه مخاطبانی دارد و در چه حوزه‌های می‌خواهند دانشجویان را تربیت کنند. حاصل چنین تحقیقی مشخص می‌کند که این زبان و سایر زبان‌ها قرار است در زمینه ارتباطات علمی، ارتباطات دینی یا ارتباطات ادبی و غیره چه باری را تحمل کنند. اینکه افراد این یا آن زبان را یاد می‌گیرند، چه اهمیتی در حیطه شغلی آن‌ها دارد؟ مجموعه این‌ها باعث شد که جمعی از متخصصان سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی جمع شویم و با هم فکری یک طرح توجیهی را تنظیم کنیم. این طرح را به دانشگاه تهران فرستادیم و گفتیم که بنا داریم یک مرکز پژوهشی زبان خارجی تأسیس کنیم. در مردادماه ۱۳۸۴ دانشگاه تهران موافقت اولیه خود را با تأسیس این مرکز اعلام کرد. براساس مقرراتی که هم در دانشگاه و هم در وزارت‌خانه وجود دارد، می‌بایست در یک بازه زمانی دو ساله کلیه فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی که مؤسسه یا این مرکز پژوهشی انجام داده بود، جمع‌آوری و به دانشگاه منتقل شود. بعد برای اخذ موافقت‌های اصولی و قطعی، اقدامات لازم صورت گیرد. این مسیر را از سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۹۳ ادامه دادیم و به ترتیب، موافقت اولیه، اصولی و قطعی را گرفتیم. ما در زمان تأسیس، کار خود را با سه گروه پژوهشی آغاز کردیم و طبق روال قانونی هم این‌گونه است که ابتدا بایستی گروه پژوهشی شکل گیرد. هنگامی که دو گروه پژوهشی شکل بگیرند، مرکز پژوهشی تشکیل می‌شود و هر مرکزی هم که دست کم سه گروه پژوهشی داشته باشد، می‌تواند به پژوهشکده تبدیل شود. باتوجه به اینکه مرکز پژوهشی ما از همان ابتدا سه گروه پژوهشی داشت، درخواست تبدیل مرکز به پژوهشکده را مطرح کردیم و در نهایت، وزارت‌خانه در فروردین‌ماه ۱۳۹۳ با ارتقای مرکز پژوهشی به پژوهشکده موافقت کرد. در طول زمان نگاهمان به پژوهش‌های زبانی تغییر کرد و تصمیم گرفتیم کرسی‌های سه زبان را تأسیس کنیم؛ یعنی سه کرسی برای زبان‌های آلمانی، فرانسه و انگلیسی. فکر تشکیل کرسی فعلاً در وزارت‌خانه وجود ندارد. آنچه مطرح است گروه‌های پژوهشی هستند اما ما تصمیم گرفتیم قلمرو زبان‌ها را مشخص کنیم و فارغ از حوزه سیاسی هر زبان، کلیه پژوهش‌های مربوط به آن زبان را در کرسی تجمع کنیم. با تأسیس کرسی‌ها لازم بود در ساختار و ماهیت پژوهشی گروه‌ها تجدید نظر شود. در این راستا، محیط‌های چهارگانه زبانی تعریف شدند؛ یعنی محیط خانواده به‌عنوان محیط اول زبانی، که در آن زبان مادری بدون آموزش شکل می‌گیرد. سپس محیط آموزشگاه، از مدرسه تا دانشگاه، که در آن زبان به شکل کلاسیک آموخته می‌شود. محیط سوم، محیط جامعه

است که در آن حوزه‌های کاربردی زبان‌های مختلف را داریم که یادگیری را تقویت می‌کنند، و بالاخره محیط چهارم یا محیط مجازی که یادگیری زبان در آن بر بستری مجازی صورت می‌گیرد. بنابراین، دو گروه پژوهشی کلاسیک و مجازی براساس تقسیم‌بندی در پژوهشکده وجود دارد.

سومین گروه پژوهشی ما گروه ادبیات زبان است. منظور از ادبیات کلیه تولیدات زبانی است. به عبارت دیگر، هر آنچه یک فرهنگ در قالب جغرافیا و زبان خود تولید کرده است، ادبیات آن محسوب می‌شود. هنگامی که شما آموزش زبان می‌دهید، در واقع، ادبیات تولید شده با آن زبان است که آموزش داده می‌شود. در گروه پژوهشی ادبیات هدف آن است که ویژگی‌ها و ظرافت‌های زبان در حوزه‌های مختلف کاربرد زبان مشخص شود. گروه دیگر ما گروه زبان فنی است. جهان‌بینی سه حوزه دانشی دارد که عبارت‌اند از: حوزه علم، حوزه اندیشه، و حوزه هنر. همه این‌ها از زبان مشترکی استفاده می‌کنند. در حوزه علم زبان علمی است و حتی این زبان علمی در درون هر رشته‌ای زبان خاص خود را دارد. این زبان‌ها بار ویژه‌ای پیدا می‌کنند که در قالب واژگان تخصصی تجلی می‌یابد. مثلاً در رشته‌های کامپیوتر، انرژی‌های نو، محیط‌زیست، و حتی فلسفه؛ در همه این حوزه‌ها بار فنی زبان به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. در زبان فنی، هدف پیدا کردن ویژگی‌های زبان فنی است و اینکه باتوجه به ویژگی‌های آموزشی، زبان فنی چگونه باید آموزش داده شود. آخرین گروه هم گروه زبان مدیریتی است. در جامعه، سازمان‌های اداری وظیفه دست‌بندی افراد را دارند. در سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرادده‌های زبانی به نوعی بازتاب‌دهنده تفکرات مدیریتی و هدایتی هستند. لذا ممکن است در مواردی بار تحکمی داشته باشند؛ چون رابطه از نوع رئیس و مرئوس است. به‌هر حال، در جوامع مختلف زبانی با توجه به نوع روابط سازمانی بار تحکمی ممکن است کمتر یا بیشتر باشد. در مراددهات سازمانی هر دو زبان کتبی و شفاهی مورد استفاده قرار می‌گیرند. ما برای اینکه سازمانی را بشناسیم، باید به زبان مورد استفاده آن سازمان رجوع کنیم. یک سازمان مشابه با دو زبان مختلف ممکن است ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند؛ مثلاً سازمانی که براساس زبان آلمانی بنا شده، نوع نگاهش کاملاً متفاوت با سازمانی است که براساس زبان فرانسه شکل گرفته است؛ چرا که زبان دربردارنده روابط افرادی هست که

مورد زبان فارسی
و آموزش سایر زبان‌ها در
درون نظام آموزشی کشور، بخشی از
تحقیقات ما را تشکیل می‌دهد. حالا که زبان انتخاب
شده، سؤال بعدی این است که با توجه به اینکه گران‌بهارترین
گوهر انسانی زبان است و انسان باید از زبان حداکثر استفاده را
بکند، چگونه می‌توان در کمترین زمان ممکن بیشترین میزان
یادگیری را در یک زبان استحصال کرد؟ پس، بهینه‌سازی
آموزش زبان از منظر زبانی و حتی محتوایی - یعنی محتوایی
که به آن زبان باید آموزش داده شود - اهمیت پیدا می‌کند.
بعد دیگری که مطرح می‌شود، ویژگی‌های افرادی است که این
زبان را از طریق آموزش یاد می‌گیرند. ما درون نظام آموزشی
خود آموزش زبان داریم. یعنی دانش‌آموز بالاجبار باید زبان یاد
بگیرد. این تکلیف است اما می‌بینیم که او گاهی اوقات در خارج
از محیط رسمی آموزشی هم به یادگیری زبان می‌پردازد. چرا
این کار را می‌کند؟ انگیزه او چیست؟ آیا انگیزه‌اش ایزاری است؟
صرفاً فکر می‌کند که یادگیری یک زبان وسیلهٔ بهتری برای
تأمین آیندهٔ شغلی‌اش است یا انگیزه او سازگاری است؟ وقتی
در کشور ما تعداد زبان‌آموزان انگلیسی یا آلمانی یا فرانسه یا
هر زبان دیگری بالا می‌رود، آیا تغییری در انگیزه‌ها ایجاد شده
است؟ آیا از منظر این دو نوع انگیزه، زبان‌آموزی بهینه صورت
می‌گیرد و اگر بهینه نیست چه دلایلی وجود دارد؟ قسمت سوم
بحث دانشگاه‌های ماست که به یک زبان خاص گرایش بیشتری
دارند. اگر ما رشته‌های دانشگاهی موجود را تقسیم کنیم، با
توجه به موضوع آن‌ها می‌بینیم که یک زبان نمود بیشتری
دارد. اکنون رشته‌های متنوعی در دانشگاه‌ها وجود دارد و اگر
صرف‌نظر از دسته‌بندی موضوعی و فنی یک دسته‌بندی زبانی
هم انجام بدهیم، می‌بینیم که مثلاً برای گروه رشته‌های فنی
آموزش زبان را باز هم باید ریزتر کنیم. این بدان معنی است که
فکر کنیم گروه فنی یا گروه علوم پایه یا رشته کامپیوتر بیشتر
به چه زبانی گرایش دارند، محیط‌زیست به کدام زبان بیشتر
گرایش دارد، در حوزه مکانیک کدام زبان حرف اول را می‌زند،
در حوزه علوم انسانی مثلاً حوزه حقوق چه زبانی، در حوزه
فلسفه چه زبانی، در حوزه هنر چه زبانی و الی آخر. بعضی از
کشورها، خود و زبانشان در یک رشتهٔ خاص نمود عینی زیادی
دارند. برای نظام دانشگاهی ما هم مهارت خواندن، به‌عنوان
یکی از اساسی‌ترین مهارت‌های هر انسان، چه در زبان مادری
و چه در زبان خارجی، بسیار مهم است. فردی که وارد دانشگاه
می‌شود، باید بتواند از متون تخصصی و ادبیات تخصصی رشتهٔ
تحصیلی‌اش بهتر استفاده کند و این، تسلط ویژه او را بر زبان
خاص آن رشته می‌طلبد. ما افراد زیادی را داریم که از منظر
مهارت تکلمی نمی‌توانند به زبان بیگانه صحبت کنند ولی در
درک و فهم متون بسیار توانا هستند. حالا ما چگونه می‌توانیم
نظام آموزشی خود را هدایت کنیم که از این زاویه به زبان

سازمان
را شکل می‌دهند.
این خلاصهٔ فلسفهٔ تشکیل
پژوهشکدهٔ زبان ملل بود.

تسلط بر زبان نوعی ابراز علاقه به فرهنگ است؛ زیرا زبان در فرهنگ، ادبیات و تاریخ ملت‌ها مستقر است و بر این اساس، یادگیری آن به شکل‌گیری ارتباط بین انسان‌ها کمک می‌کند

● با عنایت به نگاه مجموعی به زبان، که بر این
پژوهشکده حاکم است و سعی می‌کند به هر حال به
جنبه‌های مختلف زبان اهمیت دهد، این سؤال مطرح
می‌شود که با توجه به ابعاد گوناگون و پیچیدگی‌های
هریک، در حال حاضر اولویت‌های شما در این گروه‌های
پژوهشی و کرسی‌ها چیست؟
این سؤال به این دلیل مطرح می‌شود که شاید نتوان
در یک برههٔ زمانی همهٔ آن‌ها را مطرح کرد. به عبارت
دیگر، با توجه به برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و
بلندمدت، پژوهشکده چه چشم‌انداز پژوهشی‌ای را
برای خود ترسیم کرده است و اولویت‌های پژوهشی‌اش
در حال حاضر کدام‌اند؟

من پاسخ این سؤال را در سه بعد عرض می‌کنم؛ اول اینکه
مأموریت‌ها باید هم‌زمان پیش برود. وقتی می‌گوییم اولویت
منظور این نیست که فقط یک اولویت وجود دارد که باید انجام
شود تا به اولویت دوم برسیم. یک بحث اصلی بحث سیاست‌های
زبانی یک کشور است. اصلاً یک کشور در مورد ترویج، تبدیل و
آموزش زبان خود در درون و بیرون مرزهایش چه خط‌مشی‌ای
را دنبال می‌کند. تقریباً می‌توانم بگویم در همهٔ دنیا زبان خارجی
وجود دارد. سؤال این است که زبان خارجی از بین چه زبان‌هایی
انتخاب شده و اینکه چرا آن زبان خاص انتخاب شده است. آیا
این با توجه به سیاست‌های حاکم بر جهان است؟ با توجه به
میزان مراوداتی است که این زبان دارد؟ با توجه به قدرت زبانی
از منظر تولیدات علمی و غیره است؟ چرا انتخاب می‌شود و
چرا دولت‌ها در نظام آموزشی خود یک زبان را به زبان دیگر
ترجیح می‌دهند و به آن می‌پردازند؟ این هم یکی از محورهای
تحقیقاتی ماست. در مجموع، سیاست‌های زبانی کشور ما در

چیزی اضافه کنیم و امیدواریم که این هدف پژوهشکده در آینده محقق شود.

● آیا پژوهشکده در برنامه‌های خود دوره‌های آموزشی هم دارد؟

آموزش کلید درک بهتر جهان است. بدون آموزش مجبوریم از راه تجربه وارد شویم و راه تجربه بسیار مستحکم اما طولانی و پرزحمت است. برای اینکه بتوانیم از زندگی و زبانی که در اختیار ماست بهتر استفاده کنیم، باید سریع‌تر از قبل دوره‌های آموزشی را طی کنیم. به همین دلیل، افراد علاوه بر تحصیل در دوره‌های رسمی نظام آموزشی خود، به آموزش‌های غیررسمی روی می‌آورند؛ چون جامعه در حال تحول است و در طول زندگی فرد، آموزش‌های رسمی به‌تنهایی کافی نیستند. پژوهشکده عمدتاً رویکرد پژوهشی دارد و سعی می‌کند برای پژوهشگران دوره‌های کوتاه‌مدت برگزار کند اما آموزش جزء لاینفک پژوهش است. در عین حال، زبان پایه تفکر است و یادگیری آن تعطیلی‌بردار نیست. یادگیری زبان از بدو تولد شروع می‌شود



خارجی نگاه کند. این‌ها سه محور اصلی تحقیقات پژوهشکده را شکل می‌دهند. همان‌طور که جناب‌عالی هم فرمودید، در برنامه‌های دوساله و پنج‌ساله و درازمدت طبعاً لایه بعدی مطرح می‌شود که با توجه به آن سه محور اصلی بایستی مورد تحقیق قرار گیرند.

● سؤال دیگری که من می‌خواستم مطرح کنم، این است که به هر حال در بعضی زمینه‌ها احتمالاً ما پژوهش‌های داخلی داریم و آن گفتمان پژوهشی که باید شکل بگیرد، تا حدودی شکل گرفته است ولی در بعضی زمینه‌ها هنوز این کار انجام نشده و شاید لازم باشد که از نقاط قوت پژوهشی کشورهای دیگر هم استفاده شود. برنامه پژوهشکده در ارتباط با استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی داخلی و خارجی چیست؟

من مقدمه‌ای را هم عرض می‌کنم. یکی از کارهایی که ما باید انجام بدهیم، پژوهش در مورد آخرین یافته‌های آموزش زبان، به‌طور عام چه در داخل کشور و چه در خارج کشور است. ما باید به این سؤال پاسخ دهیم که آیا در داخل کشور ما نگاه تحقیقاتی بر زبان حاکم است یا نگاه انتشاری و ترویجی. در حال حاضر، در کشور ما در مقوله زبان سه حوزه بزرگ شکل گرفته که شامل آموزش زبان، ترجمه و ادبیات است. اگر به این سه حوزه نگاه دقیقی بیندازیم، می‌بینیم که هر سه از نظر پژوهشی در جایگاه ضعیفی قرار دارند. ما باید بتوانیم نگاه عمیق‌تری به وضع خود در این سه حوزه داشته باشیم و به کمک تجربه و تخصص پژوهشگران پژوهشکده ببینیم که در خارج از کشور آخرین یافته‌های تحقیقاتی در خصوص سه زبان چیست، آن‌ها زبان را از چه منظری مورد تحقیق قرار می‌دهند و ما در درون کشور چه وضعیتی داریم. در آن صورت، نقاط مشترکی شکل می‌گیرد و ما می‌توانیم بین حوزه‌های تحقیقاتی خودمان، در هر وضعیتی که هستیم، و حوزه‌های تحقیقاتی خارج از کشور ارتباط برقرار کنیم. امیدمان این است که از جرقه‌ای که بین این دو حاصل می‌شود، جایگاه تحقیقاتی زبان کشور را در منظومه تحقیقاتی زبان در دنیا پیدا کنیم. هدف نهایی ما این است که بتوانیم به مجموعه تحقیقاتی جهانی

این سازمان‌ها و دفاتر ندارد و می‌تواند از سطحی که سیاست‌ها و خط‌مشی‌های کلی وزارت‌خانه و شاید نظام آموزشی کشور تعیین می‌شود تا پایین‌ترین نقطه که آموزش در درون مدارس اتفاق می‌افتد، همه را مورد بررسی قرار دهد. با بررسی کمی و کیفی برنامه‌ها و آنچه اتفاق می‌افتد، می‌توانیم بفهمیم که آیا برنامه آن‌گونه که دیده شده است، اجرا می‌شود و اینکه به‌رغم ادعاهای مطرح‌شده آیا این سازمان‌ها و نهادها و دفاتر کاملاً واگرا حرکت می‌کنند و به‌نوعی خودگردان هستند یا نه. پژوهشکده با متخصصانی که در اختیار دارد و زیرساخت‌هایی که ایجاد کرده است، می‌تواند این روند را به‌طور کامل بررسی کند و از نتایج این بررسی برای اصلاح امور استفاده شود. وقتی از نظام آموزشی صحبت می‌کنیم، منظورمان نظامی همگراست که با تکیه بر همین همگرایی می‌تواند به اهدافش برسد. در صورتی که میزان تحقق اهداف کم یا زیاد باشد، با نگاهی به نتایج تحقیق که به رسم اطلس زبانی کشور منجر خواهد شد، می‌توانیم ببینیم کدام خطوط پرننگ‌تر رسم شده‌اند و در هر جا فعالیت‌ها خوب انجام می‌شوند یا نه برعکس در کجاها نتایج ضعیف است.

با تشکر از جنابعالی که وقت خود را در اختیار مجله قرار دادید امیدواریم با ایجاد نگاه پژوهشی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های آموزشی، پژوهشکده زبان ملل بتواند در آینده نقش خود را در تحولات نظام آموزشی کشور به خوبی ایفا کند.

و تقویت و تکمیل آن تا انتهای زندگی فرد ادامه می‌یابد. در واقع، یادگیری زبان بی‌وقفه صورت می‌گیرد. زبان دیگری که در دوران تحصیل فرا گرفته می‌شود، زبان ریاضی است که پایهٔ درک ریاضی و محاسبات ما از این جهان است. آموختن این زبان نیز به دوران تحصیل محدود نمی‌شود و در طول زندگی ادامه می‌یابد. در حوزهٔ علوم طبیعی نیز زبان طبیعی را داریم. بسیاری از مشکلاتی که افراد در ریاضی و علوم دارند الزاماً به هوش ارتباطی ندارد. مشکل زبان طبیعی و ریاضی این است که از آن‌ها بد استفاده می‌شود. دانش‌آموز به دلیل اینکه این زبان‌ها را یاد نگرفته است، در این دروس موفق نیست. در حقیقت، هر سه بعد زبان، یعنی بعد ریاضی، بعد طبیعی و بعد ادبی آن، باید رشد پیدا کنند تا ما بتوانیم موفق باشیم. وقتی می‌گوییم آموزش زبان، فکر می‌کنیم که منظور فقط زبان مادری است که کاربرد روزمره دارد و معمولاً فکر می‌کنیم به آموزش نیاز ندارد؛ در حالی که همهٔ ابعاد زبان نیازمند آموزش‌اند. ما متأسفانه در هر سه بعد زبان مشکل داریم.

● برگردیم به مجلهٔ رشد آموزش زبان خارجی و وزارت آموزش و پرورش، که در حقیقت دست‌اندرکار آموزش زبان است. ما بحث برنامهٔ درسی و تربیت معلم را داریم که در وزارت آموزش و پرورش برای آن‌ها در سطوح مختلف برنامه‌ریزی می‌شود. یعنی ما در سطح وزارت‌خانه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی را داریم که مجلهٔ رشد در آنجا تهیه و منتشر می‌شود. در سطوح پایین‌تر سازمان‌های آموزش و پرورش استانی را داریم که در کنار کارهای آموزشی کارهای پژوهشی انجام می‌دهند. بعد، گروه‌های آموزشی را در این سازمان‌ها داریم که درگیر مسائل مربوط به هر رشته در برنامهٔ درسی هستند. در کنار آن‌ها مجامع علمی دبیران را داریم و همهٔ این‌ها به‌نوعی دست‌اندرکار آموزش زبان‌اند. به‌نظر شما، پژوهشکده به برنامهٔ آموزش زبان وزارت آموزش و پرورش در سطوح مختلف چه کمکی می‌تواند کند؟

در سازوکار آموزش زبان، اگر از پایین شروع کنیم، در مدارس حداقل یک نفر متولی آموزش زبان وجود دارد که معلم زبان است. بعد در ادارات تا سطوح وزارت‌خانه واحدهای مختلفی وجود دارند که به‌نوعی درگیر آموزش زبان‌اند و هر واحدی هم فکر می‌کند که کار خودش را به نحو احسن انجام می‌دهد. حال که سازمان‌ها و نهادها و دفاتر مختلفی در زمینهٔ آموزش زبان وجود دارند و همه هم مدعی‌اند که کار خود را به نحو احسن انجام می‌دهند، پس چرا آن اتفاقی که می‌بایست بیفتد، نمی‌افتد؟ اینجاست که پژوهشکده می‌تواند وارد شود؛ چون مستقیماً درگیر آموزش نیست. علاوه بر این، وابستگی اداری به

تألیف کتاب پایه هشتم بارویکرد ارتباطی فعال



سید بهنام علوی مقدم

عضو هیئت علمی و مدیر گروه زبان‌های خارجی سازمان پژوهش

Email: eng-dept@talif.sch.ir

و برنامه‌ریزی آموزشی

رضا خیرآبادی

کارشناس گروه زبان خارجی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

کامل آموزش می‌دهد و تا حد زیادی به پرسش‌ها و ابهامات احتمالی دبیران و حتی والدین دانش‌آموزان پاسخ می‌گوید. فیلم مورد نظر علاوه بر آنکه به ادارات کل آموزش و پرورش در سراسر کشور ارسال گردیده، از سایت roshd.ir و همچنین سایت گروه زبان‌های خارجی دفتر تألیف کتاب‌های درسی نیز قابل دسترسی و پیاده‌سازی است.

هم‌اکنون تألیف بسته آموزشی **prospect3** در حال انجام است. با توجه به بازخوردهای دریافت شده از صاحب‌نظران در ارتباط با کتاب‌های پایه هفتم و هشتم این امیدواری وجود دارد که کتاب پایه نهم نیز به نحوی مطلوب و در زمان مقرر منتشر گردد.

ذکر این نکته ضروری است که با توجه به وجود کتاب راهنمای معلم و فیلم آموزشی «برفراز آسمان‌ها» نیازی به برگزاری کارگاه‌های متفرقه در ارتباط با کتاب‌های پایه هفتم و هشتم نیست و شما دبیران گران‌قدر زبان انگلیسی در سراسر کشور می‌توانید با مراجعه به کتاب راهنمای معلم و تماشای فیلم آموزشی «برفراز آسمان‌ها» با شیوه مطلوب و مؤثر آموزش بسته‌های زبان انگلیسی هفتم و هشتم آشنا شوید. همچنین می‌توانید موارد ابهام و پرسش‌هایتان را با سرگروه‌های آموزشی خود و در صورت لزوم از طریق وبگاه گروه زبان‌های خارجی با ما در میان بگذارید.

در ادامه روند تحول آموزشی زبان انگلیسی در نظام آموزش رسمی کشور، از پاییز سال جاری آموزش کتاب **prospect2** برای پایه هشتم تحصیلی به عنوان دومین کتاب از مجموعه کتاب‌های **English for schools** آغاز شد. این کتاب هم مانند کتاب سال هفتم در قالب بسته آموزشی تدوین گردیده و دارای اجزائی چون کتاب دانش‌آموز، کتاب کار، کتاب راهنمای معلم، لوح فشرده آموزشی و فلش کارت معلم است. تمامی اجزاء این بسته پیش از آغاز سال تحصیلی آماده‌سازی و نهایی شدند تا از ابتدای سال تحصیلی ۹۴-۹۳ دانش‌آموزان میهن عزیزمان در ادامه یادگیری زبان انگلیسی در قالب رویکرد ارتباطی فعال و خودباورانه با مجموعه‌ای منسجم و کامل روبه‌رو باشند. همچنین به‌منظور آموزش دبیران زبان انگلیسی، در تابستان دو دوره تربیت مدرسان میانی در «مرکز تربیت معلم نسیم» تهران برگزار شد و بیش از پیش دویست نفر از دبیران برگزیده کشوری با شرکت در این دوره‌ها با نحوه تدریس این بسته آموزشی آشنا گردیدند تا در سراسر کشور دوره‌های آموزشی ضمن خدمت را برگزار کنند. گزارش‌های رسیده از استان‌های مختلف کشور نیز حاکی از آن است که دوره‌های ضمن خدمت کتاب زبان سال هشتم، امسال با نظم و انسجام مناسبی در حال برگزاری است و دبیران سراسر کشور با ابعاد مختلف تدریس این بسته تازه تألیف به‌طور مناسبی آشنا شده‌اند. همچنین برای اشاعه کتاب **prospect2** فیلم آموزشی «برفراز آسمان‌ها» نیز در تابستان سال جاری تهیه و تدوین شد. این فیلم شیوه تدریس بسته جدید را به‌طور